

منابع: ابن اثار، التكملة لكتاب الصلاة، چاپ عزت عطار حسینی، قاهره ۱۳۷۵/۱۹۵۵؛ ابن بشکوال، کتاب الصلاة، قاهره ۱۹۶۶؛ ابن جزری، تحبیر التیسیر فی قراءات الائمة العشرة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۴؛ همو، غایة النهایة فی طبقات القراء، چاپ برگشترس، قاهره [بی تا]؛ ابن خلدون؛ ابن فحون، الیدیاج المذهب فی معرفة اعیان علماء المذهب، چاپ مأمون بن محیی الدین جنان، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷؛ محمد بن خیر اشیلی، فهرسة مارواه عن شیوخه من الدواوین المصنفة فی ضروب العلم و انواع المعارف، چاپ فرانسیسکو کودرا و ریسرا تاراگو، ساراگوسا ۱۸۹۳، چاپ افست بیروت ۱۹۷۹/۱۳۹۹؛ حاجی خلیفه؛ محمد بن فتوح حنطی، جذوة المقتبس فی ذکر ولاة الاندلس، قاهره ۱۹۶۶؛ عثمان بن سعید دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، چاپ عبدالمهیم عبدالسلام طحان و دیگران، شارجه ۲۰۰۷/۱۴۲۸؛ همو، کتاب التیسیر فی القراءات السبع، چاپ اوتو پرتسل، بیروت ۱۹۸۵/۱۴۰۶؛ همو، المکتفی فی الوقف و الابتدا فی کتاب الله عزوجل، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ محمد بن علی داودی، طبقات المفسرین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد بن احمد ذهی، تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر و الاعلام، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ همو، سیر اعلام النبلاء، چاپ شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۹-۱۴۰۱/۱۹۸۱-۱۹۸۸؛ همو، کتاب تذکرة الحفاظ، [چاپ عبدالرحمان بن یحیی معلمی]، حیدرآباد، دکن ۱۳۷۶-۱۳۷۷/۱۹۵۶-۱۹۵۸، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ همو، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، چاپ بشار عواد معروف، شعیب ارنؤوط، و صالح مهدی عباس، بیروت ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ احمد بن یحیی فیتی، کتاب بغیة الملمتس فی تاریخ رجال اهل الاندلس، مادرید ۱۸۸۴؛ عبدالمهیم طحان، الامام ابو عمرو الدانی و کتابه جامع البیان فی القراءات السبع، مکه ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ عبدالهادی حیتی، معجم مؤلفات الحفاظ ابی عمرو الدانی (444 هـ) امام القراء بالاندلس و المغرب و بیان الموجود منها و المفقود، آسفی، مغرب ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ علی بن یوسف قطی، ائباه الرواة علی ائباه النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، قاهره ۱۹۵۲/۱۳۷۱؛ احمد بن محمد مقرئ، نصح الطیب، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۶۸/۱۳۸۸؛ یاقوت حموی، کتاب معجم البلدان، چاپ فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳، چاپ افست تهران ۱۹۶۵؛ همو، معجم الادباء، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۹۳؛

Carl Brockelmann, *Geschichte der arabischen Literatur*, Leiden 1943-1949, *Supplementband*, 1937-1942; *ET*, s.v. "Al-Dānī" (by Moh. Ben Cheneb).

/ الله هادیان رستانی /

**دانیال**، یکی از پیامبران بزرگ و مهم بنی اسرائیل. دانیال واژه‌ای است عبری مرکب از «دان» و «ئیل» (خدا)، به معنای «خدا داوری یا تبرئه کرده‌است» یا «خدا داور من است»

را در نظر داشته‌است (دانی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۹). کتاب دیگر دانی المقتنع فی رسم مصاحف الامصار است که در آن به رسم الخط مصحف گردآوری شده در زمان عثمان (مصحف امام) و دیگر مصاحف فرستاده شده به بلاد اسلامی نظیر مکه و کوفه و بصره و شام پرداخته‌است. المقتنع در ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۲ به همت پرتسبل تصحیح و چاپ شد و چند سال پس از آن به همراه کتاب النقط دانی، رساله‌ای مختصر در باب نقطه‌گذاری قرآن، به تصحیح محمدصادق قمحوی (قاهره ۱۳۹۹) و محمد احمد دهمان (دمشق ۱۳۵۹) به چاپ رسید. شاطبی متن این کتاب را نیز در شعری با نام عقیلة اتراب القوائد فی استی المقاصد به نظم در آورد و شهرت آن را دو چندان ساخت. در سده‌های بعد شروح متعددی بر منظومه شاطبی نوشته شد که از مشهورترین آنها جمیلة آریاب المرصد برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جعبری\* (متوفی ۷۳۲) است (حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۱۵۹). کتاب دیگر دانی در همین زمینه به نام المحکم فی نقط المصاحف به تصحیح عزة حسن در ۱۳۳۹ ش/ ۱۹۶۰ در دمشق منتشر شده‌است. الفرق بین الضاد و الظاء فی کتاب الله، اثر دیگر دانی است که محسن جمال‌الدین در بغداد ۱۳۴۹ ش/ ۱۹۷۰ آن را به چاپ رسانده‌است. یکی از کتابهای حدیثی مهم دانی کتاب السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و اشراطها است که به اهتمام رضاء الله بن محمد ادریس مبارکفوری تصحیح و چاپ شده‌است.

علاوه بر آثار چاپ شده، بسیاری از تألیفات دانی به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شود و تاکنون به چاپ نرسیده‌است (دانی، ۱۴۰۷، همان مقدمه، ص ۳۶). برخی از آثار مهم خطی او عبارت‌اند از: الاشارة بلطف العبارة درباره قرائات مشهور؛ التحدید فی صناعة الاتقان و التجوید؛ تذکرة الحفاظ لتراجم القراء السبعة و اجتماعهم و اتفاقهم فی حروف الاختلاف؛ التهذیب فی القراءات؛ شرح قصيدة الخاقانی فی التجوید؛ الموضوع لمذاهب القراء و اختلافهم فی الفتح و الامالة. به علاوه بر اساس منابع متقدم، دانی آثار دیگری نیز تألیف کرده که امروزه اثری از آنها نیست، از جمله طبقات القراء، کتابی مفصل در چهار جزء، که در آن شرح حال قاریان و مقریان از صحابه و تابعین تا زمان دانی به ترتیب الفبایی گرد آمده بوده‌است. این کتاب ظاهراً در اختیار یاقوت حموی بود و در معجم الادباء (ج ۳، ص ۱۰۳۱، ج ۶، ص ۲۵۳۷، ۲۶۰۱) از آن نقل قول کرده‌است (برای آگاهی از نسخه‌های خطی آثار دانی و محل نگهداری آنها و همچنین فهرست آثار یافت نشده او ← عبدالهادی حمیتو، ۱۴۲۱).

خضرائی، تهران، ۱۳۸۸ ش؛ نسیمی، نسیم طرب، به کوشش امیرحسین پورجوادی،  
تهران، ۱۳۸۵ ش. بابک خضرائی

دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، نک: ابوعمرو دانی.

**دانیال**، از انبیای بنی اسرائیل و شخصیت اصلی کتابی به همین نام در عهد عتیق. دانیال واژه‌ای عبری است، به معنای «خداوند داور من است»، «خداوند مدافع حق من است» یا «خداوند داور کرده است». این نام افزون‌بر دانیال نبی، نام کسان دیگری چون یکی از پسران داوود، مردی لاوی از خاندان ایتامر، و شخصی بسیار خردمند و پارسا، که در کتاب حزقیال (۱۴: ۱۴، ۲۸: ۳) با نوح و ایوب (ع) مقایسه می‌شود، نیز بوده است و در سنگ‌نبشته‌های پالمیری و متون اوگاریتی رأس‌الشمراء نیز به شکل «دانیل» آمده است (کامپهاوزن، «دانیال»<sup>۱</sup>، ۱۰۰۱؛ ویلسن، ۸۵۸؛ گینزبرگ، «دانیال»<sup>۱</sup>، ۴۱۸-۴۱۷؛ جفری، ۳۴۴).

با آنکه اطلاعات ما درباره زندگی دانیال تنها به مطالب کتابی با عنوان دانیال محدود می‌شود، اما این دانسته‌ها بیش از اطلاعات ما در مورد انبیای دیگر است (الیکات، ۷/۳۵۷؛ ویلسن، همانجا). به نظر بیشتر محققان، این کتاب را که بخشهایی از آن به عبری و بخشهای دیگری به آرامی است، می‌توان بر اساس موضوعات مطرح‌شده در آن، به دو بخش اصلی (هریک متشکل از ۶ باب) تقسیم کرد. بخش اول که بیشتر به موضوعات تاریخی می‌پردازد، شامل شرح احوال دانیال و دوستان او از ابتدای اسارت در دوره نبوکدنصر تا پایان حکمرانی بلطشصر است. در این بخش، افزون‌بر رویدادهای دیگر، به تعبیر رؤیاهای نبوکدنصر توسط دانیال و نیز تعبیر نوشته‌های ظاهرشده بر روی دیوار در اواخر پادشاهی بلشصر توسط او نیز پرداخته می‌شود. بخش دوم کتاب نیز بیشتر محتوایی مکاشفهای دارد و در آن رؤیاهای شخص دانیال و تعبیرهای مکاشفاتی آنها که مشتمل بر پیشگویی رویدادهای آینده و تغییرات سیاسی منطقه است، آمده است (نک: شولتز، ۲۷۷؛ هریسن، ۸۶۰؛ گینزبرگ، «دانیال، کتاب»<sup>۲</sup>، ۴۱۹).

بنابر آنچه در بخش اول این کتاب آمده است، دانیال از جوانان خانواده‌ای شریف و بلندمرتبه در اورشلیم بود که در سومین سال سلطنت یهوایاقیم پر یهودا، به همراه جوانانی دیگر توسط نبوکدنصر به اسارت گرفته، و به بابل برده شد. وی در بابل بلطشصر خوانده می‌شد و در کنار ۳ تن از دوستانش به نامهای حننیا (بَابلی: شَدْرَک)، میشائیل (بَابلی: میشک) و عَزْرَیا (بَابلی: عَبْدَنَعُو) به یکی از بزرگان دربار سپرده شد تا برای خدمت در دستگاه پادشاه، در زمینه علوم و مهارت‌های گوناگون آموزش ببیند. این ۴ تن در طول اقامت خود در دربار، به سبب استواری در ایمان و پابندی به شریعت یهود، از خوردن و آشامیدن خوراک و نوشیدنیهای

دربار، و سپس سجده کردن در برابر تمثال طلایی سر باز زدند و به همین سبب، مورد سوءظن پادشاه و درباریان قرار گرفتند؛ اما با پشت‌سرگذاشتن آزمون‌ها و سالم به‌درآمدن از میان آتش، درستکاری، پارسایی و ایمان خود را ثابت کردند و احترام پادشاه را برانگیختند؛ از آن میان به‌ویژه دانیال در دربار جایگاه بلندی یافت و به حکمت و دانایی شهره شد (دانیال، بابهای ۱، ۳).

دانیال پس از آن، با تعبیر نخستین رؤیای نبوکدنصر در سال دوم سلطنتش، که هیچ‌کس قادر به تعبیر آن نبود، نزد او منزلتی بیش از پیش یافت و به حکمرانی ولایت بابل منصوب شد و به‌عنوان سیاست‌مداری مقتدر و حکیمی خردمند به حکومت پرداخت (نک: همان، باب ۲). در این رؤیا، نبوکدنصر مجسمه بسیار بزرگی را دیده بود که سر آن از طلا، سینه و بازوانش از نقره، شکم و رانهایش از برنج، ساقهایش از آهن، و پاهایش قدری از آهن و قدری از گل ساخته شده بود؛ اما ناگهان سنگ بزرگی به پاهای مجسمه برخورد کرد و آنها را در هم شکست و پس از آن، مجسمه به کلی فرو ریخت و به ذرات کوچکی تبدیل شد که باد آنها را برد.

دانیال در حضور پادشاه، پس از آنکه دانش اسرار رؤیاهای او را آگاهی از آینده را به خدا نسبت داد، رؤیای او را چنین تعبیر کرد که سر طلایی مجسمه نماد پادشاهی نبوکدنصر و امپراتوری بابل است، سینه و بازوان، شکم و رانها، و ساقها و پاها نماد پادشاهیهای دیگرند که یکی پس از دیگری خواهند آمد و سرانجام توسط حکومتی مقتدر که به دست خداوند برقرار خواهد شد، از میان خواهند رفت (همان، باب ۲). محققان از دیرباز درباره این ۴ پادشاهی که در باب هفتم نیز به آنها اشاره می‌شود، اختلاف‌نظر داشته‌اند، چنان‌که برخی آنها را به ترتیب پادشاهیهای بابل، مادی - پارسی، امپراتوری اسکندر، و جانشینان اسکندر شمرده‌اند و برخی دیگر آن را بابلی، مادی - پارسی، یونانی، و رومی دانسته‌اند و باز برخی دیگر که کتاب دانیال را نوشته شخص او نمی‌دانند، آنها را بابلی، مادی، پارسی و یونانی به شمار آورده‌اند (نک: یانگ، ۶۷۱-۶۷۲؛ هلی، ۳۴۱-۳۴۲).

به‌هرروی، چندی بعد دانیال با تعبیر دومین رؤیای نبوکدنصر، به او هشدار داد که چندی از سلطنت ساقط خواهد شد تا بدانند که این خداست که بر عالم حکم می‌راند و حکمروایی را به هر که بخواهد، می‌دهد (دانیال، باب ۴؛ نیز نک: یانگ، ۶۷۳).

دوران تقریباً ۴۵ ساله حکومت نبوکدنصر در ۵۶۲ ق م پایان پذیرفت و پس از حکومت دوساله اویل‌مردوک و حکومت چهارساله نریگیسار، امپراتوری بابل تحت پادشاهی نبونیدوس (۵۵۶-۵۳۸ ق م) نیز به پایان رسید. در بابهای ۵، ۷ و ۸ کتاب

1. «Daniel» 2. «Daniel, Book of»

آیه ۱۹ سوره مائده به این دوره اشاره می‌کند. براساس نظر برخی مفسرین در زمان بین حضرت عیسی (ع) پیامبر اکرم (ص) چهار تپی مأمور تبلیغ دین عیسی (ع) شدند که بعضی از مفسران آنها را از بنی اسرائیل دانسته و اسامی ۳ نفر از آنها را شمعون، یوحنا، یونس و چهارمین آنها را از عرب، که همین حضرت خالد (ع) می‌باشد، ذکر کرده‌اند. براساس نقل تاریخ، وی معاصر انوشیروان بوده و در سرزمین «بنی غطفان» می‌زیسته و دارای معجزاتی نیز بوده است. از جمله آنکه در میان آتش می‌رفت و آتش او را نمی‌سوزاند. همچنین به دعای او باران می‌بارید و یا قطع می‌شد.

در کتابهای «مُرُوجُ الدَّهَبِ»، «ناسخ التواریخ» و «لغتنامه دهخدا» آمده است که: در سرزمین بنی قَظْفَان محل سکونت خالد (ع) آتشی از زمین برآمد و هرکس در نزدیکی آن عبور می‌کرد را می‌سوزانید. برخی از اعراب آنرا به خدایی می‌پرستیدند. «خالد» (ع) آنان را منع می‌کرد و به خداوند دعوت می‌نمود. آنها به او پاسخ دادند اگر تو آن را دفع کنی دین عیسی (ع) را قبول می‌کنیم. خالد (ع) نیز چنین نمود و آتش به چاهی فرورفت و او در چاه رفت و پس از زمانی بیرون آمد که نسوخته بود و جامه‌اش تر بود و دیگر آن آتش را کسی ندید. دختر خالد (ع) به محضر پیامبر (ص) شرفیاب شد و حضرت به او مرحبا گفتند و در حق او فرمودند: این دختر پیامبری است که قومش حق او را ضائع کردند و روایت شده نام دخترش «محبیة» بوده است. در دعای معروف به اُمّ داوود از اعمال نیمه رجب، بر خالد (ع) صلوات فرستاده شده است. او چهارمین پیامبر دوره فترت بوده است.

منابع: لغتنامه دهخدا، حرف خ: مُرُوجُ الدَّهَبِ، مسعودی، ۷۵/۱؛ پژوهشی در زندگی پیامبران در ایران، ولی الله قُوزی، ۱۳۶؛ مفاتیح الجنان، دعای اُمّ داوود، حاج شیخ عباس قمی، قصص الانبیاء، جزائری، ۴۵۳. هادی سلیمان

**قبر دانیال نبی (ع)**، در شوش، دانیال نبی (ع) یکی از انبیای بزرگ بنی اسرائیل است؛ که دوازده باب از «کتاب مقدس» بنام کتاب دانیال است. وی پسر «یوحنا» است. کتاب نبوت این پیامبر، مَشْعُر بر پیشگویی رویدادهای آینده و بعثت پیغمبر آخر الزمان (ص) می‌باشد. در «کتاب مقدس» یعنی عهد قدیم و جدید، آمده است که، در سال سوم سلطنت «یهود یا قیم» (پادشاه یهودا)، «بَبُوکَد نَصَّر» (پادشاه بابل) به اورشلیم آمده و آنجا را محاصره نمود و «بَبُوکَد یا قیم» (در ۵۹۸ قبل از میلاد) تسلیم وی شد (بَبُوکَد نَصَّر همان «بَبُوکَد نَصَّر» است).

رفته و هنگامی وارد سرداب قبر می‌شوند و شروع به جستجو در داخل آن می‌کنند ناگهان با جسد حضرت مواجه می‌شوند که بعد از ۲۶۰۰ سال از زیر خاک سالم نمایان می‌شود. از جمله این افراد رئیس دانشگاه آزاد تویسرکان (آقای علی محمد برنا) و همچنین امام جمعه وقت تویسرکان (حجة الاسلام غلامحسین هدایتی نژاد) و همینطور استاد بتا (محمدحسین ترک) استادکار میراث فرهنگی، می‌باشند. استادکار مذکور اولین کسی بوده که به قبر مطهر رسیده و از بالای قبر، دریچه‌ای احداث نموده است. هر یک از این سه نفر مشاهدات خود را از پیکر پاک و سالم آن پیامبر بزرگ بیان نموده‌اند که دو نفر اول به طور کتبی و با دستخط خود و نفر سوم به صورت ضبط شده در نوار کاست بیانات خود را در مورد این موضوع در اختیار مؤلف کتاب «پیامبران در ایران» (آقای ولی الله قُوزی تویسرکانی) قرار داده‌اند و وی نیز عیناً آنرا در کتاب خود درج نموده است. البته مشاهدات مضبوط در نوار، همگی در کتاب مذکور مندرج نیست؛ اما قسمتی از آن بشرح ذیل آمده است: (ابتدا کارگر من بالای قبر را ۳۰ × ۳۰ سانتی متر شکافت؛ به مجرد شکافتن نور خیره‌کننده‌ای به چشم خورد که تمام محوطه قبر را روشن کرد، در صورتی که آنجا قبلاً تاریک و ظلمانی بود، قسمتی از صورت آن حضرت را دیدم و دست به سر و صورت او کشیدم). لازم به ذکر است از جسد مطهر فیلم ویدئویی نیز تهیه شده و اکنون در آرشیو دانشگاه آزاد اسلامی تویسرکان موجود است.

منابع: پژوهشی در زندگی پیامبران در ایران، ولی الله قُوزی تویسرکانی، ۱۸؛ ناسخ التواریخ، محمد تقی سیهر، لغتنامه دهخدا، ماده ح؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ۱۶۳/۴؛ قصص الانبیاء، محدث جزائری، ۳۹۳. هادی سلیمان

**قبر خالد بن سنان عبسی (ع)**، یکی دیگر از پیامبران مدفون در ایران حضرت خالد (ع) است که شریعت حضرت عیسی (ع) را تبلیغ می‌نموده و مرقد مطهرش در «گنبد کاووس» است. نسب وی به حضرت اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل (ع) می‌رسد و یکی از چهار پیامبری است که به بعثت حضرت محمد (ص) بشارت داده است (سفینه البحار، لغت «خلد»). وی در دوران فترت (که ۶۶۹ سال مابین رسالت حضرت عیسی (ع) و رسالت حضرت رسول اکرم (ص) طول کشید) می‌باشد، می‌زیسته است. لازم به ذکر است که دوران فترت به این معنا نیست که فرستاده الهی یا حجت خدا در روی زمین وجود نداشته بلکه منظور آن بوده که ارسال رسولانی با دعوت فراگیر وجود نداشته است. در

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

29 Haziran 2018

504 HJÄLM, Miriam L. *Christian Arabic versions of Daniel*  
*Daniel: a comparative study of early MSS and*  
*translation techniques in MSS Sinai Ar.1 and 2.* 040092  
Leiden: Brill, 2016 (Biblia Arabica, 4). 380 pp.

30 Nisan 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKUMAN

040092

DIA

## DÂNYÂL

Yefet ben 'Eli / Japheth ben Ali ha-Levi / Yafet b. 'Alī al-Qarā'ī; Margoliouth, D. S.  
A commentary on the book of Daniel / Jepheth ibn Ali the Karaite, ed. and trans. by D. S.  
Margoliouth .-- Clarendon Press, Oxford, 1889 :

Judaism & Jews | Karaites | Bible

Simmons, Lawrence M. ; Yefet ben 'Eli / Japheth ben Ali ha-Levi / Yafet b. 'Alī al-Qarā'ī;  
Margoliouth, D. S.  
A commentary on the Book of Daniel by Jepheth ibn Ali the Karaite. Edited and translated by D. S.  
Margoliouth .-- 1889-90 ISSN: 0021-6682 : Jewish Quarterly Review, vol. 2 pp. 186-188,  
(1889-90)

Livne-Kafri, Ofer  
A Muslim apocalyptic tradition attributed to Daniel (in light of a Jewish tradition) .-- 2005 ISSN:  
1068-1051 : Al-'Usur al-Wuṣṭā: the Bulletin of Middle East Medievalists, vol. 17 i pp. 7-9;11,  
(2005)

nationalized by the Iraqi government along with other schools and institutes. He also founded the Dār al-Maytam al-Islāmī orphanage in 1928. His house was a venue for politicians and public figures.

### Bibliography

Başrı, Mîr. *A'lām al-Yahūd fi'l-'Irāq al-Hādīth* (Jerusalem: Rābiṭat al-Jāmi'iyin al-Yahūd al-Nāziḥin min al-'Irāq, 1983).

———. *Yahūd al-'Irāq: Baḥth Muşawwar* (Holland: Kufa Academy, 1999).

al-Durūbi, Ibrāhîm. *Al-Baghdādiyūn: Akhbāruhum wa-Majālisuhum* (Baghdad: Maṭba'at al-Rābiṭa, 1958).

Stillman, Norman A. *The Jews of Arab Lands in Modern Times* (Philadelphia: Jewish Publication Society, 1991).

PETER WIEN

*Danyal*

## Daniel, Tomb of

*aut- Dāliā Yasharpour*

The biblical Book of Daniel relates how the prophet, taken into Babylonian exile, predicted Iran's rise to power and came to occupy a prominent position at the Persian court in Susa (biblical Shushan). It does not mention,

however, where Daniel was laid to rest. Early rabbinic sources state that Daniel returned to his homeland when Cyrus issued his edict (ca. 538 B.C.E.) and died there. Another Jewish tradition locates his tomb in modern-day Uzbekistan. The first-century Jewish historian Josephus is the earliest known source to locate Daniel's tomb in Iran. He places the tomb in Ecbatana (modern-day → Hamadan).

The tenth-century chronicle *Josippon* (Heb. *Yosippon*), by Joseph ben Gorion, places Daniel's tomb in Susa, as does → Benjamin of Tudela (12th century). According to Benjamin, the people of the city, including Muslims, who also venerate Daniel, quarreled over where to put the prophet's coffin, believing that it would bring wealth to the place where it was laid to rest. Sultan Sanjar (d. 1157) is said to have resolved the conflict by suspending the coffin in the middle of the bridge that connected the two parts of the city. To affirm the sanctity of the spot, he forbade fishing in the river below and constructed a place for prayer in the same vicinity. In his 1907 edition of Benjamin's *Itinerary*, Marcus Adler clarified that the tomb was located between the cities of Shushtar and

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

09 Nisan 2017

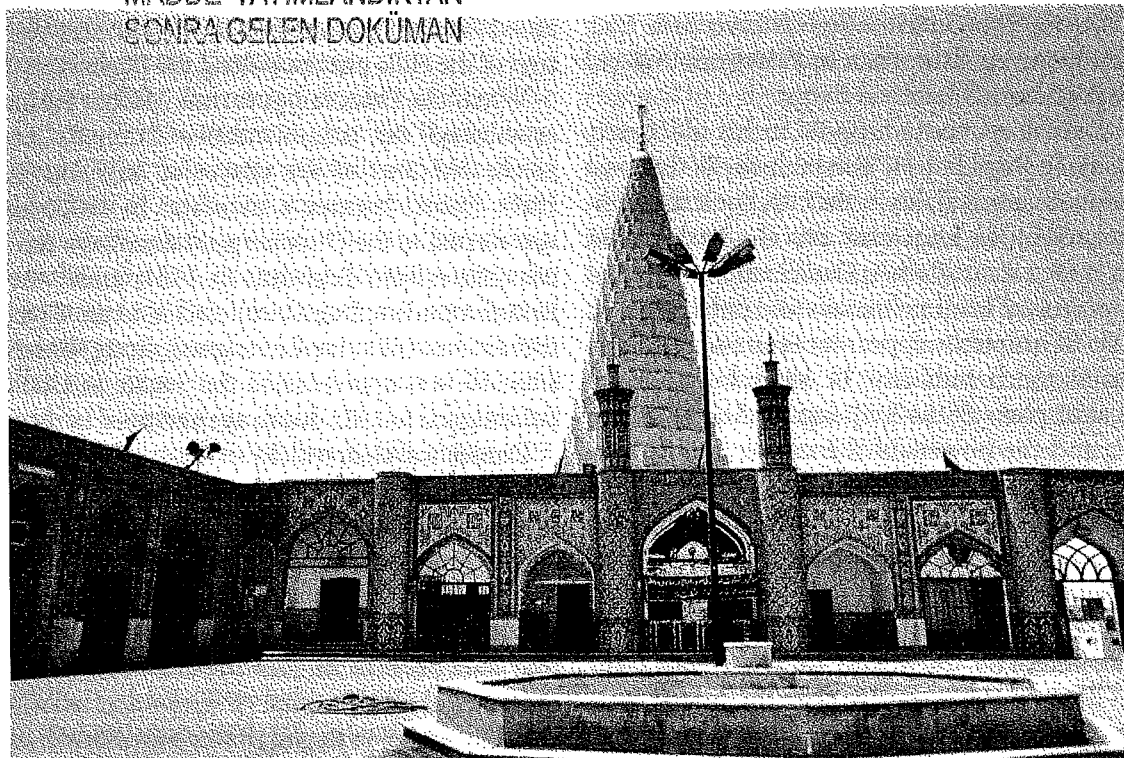


Fig. 1: Daniel's Tomb front, Susa. By permission of Archive J. K. Choksy.

## Qiṣṣa-yi Dāni'el

*Qiṣṣa-yi Dāni'el* (Pers. The Story of Daniel), known in Hebrew (though unattested before the nineteenth century) as *Ma'ase Dan'iel*, is a → Judeo-Persian apocalyptic text based on the Book of Daniel, possibly going back to an Aramaic *Vorlage*. It was edited and translated by Zotenberg (1869), from whose text a Hebrew translation was made by A. Kaplan. It was also translated in part by Darmesteter (1887) and now by Shapira (1999). The manuscript, currently kept in Paris, was produced in Lār before 1600, but the language is more archaic than that used by the Judeo-Persian poets → Shāhīn (14th century) and → Imrani (1454–after 1536). Among its sources are the *Book of Zerubbabel*, various small midrashim used also by the author(s) of *Targum Sheni*, an unpublished Hebrew apocalyptic text (found recently by M. Ben-Sasson), and, possibly, Iranian Jewish chronological notes going back to the Sasanian period.

### Bibliography

- Darmesteter, James. "L'Apocalypse persane de Daniel," *Mélanges Renier-Bibliothèque de l'Ecole des Hautes Etudes* 73 (1887): 405–420.
- Shapira, Dan D. Y. "The Story of Dāni'el: The Text and Its Translation," *Sefunot* 22 (1999): 337–366 [Hebrew].
- Zotenberg, Hermann. "Geschichte Daniels. Ein Apokryph," *Archiv für wissenschaftliche Erforschung des Alten Testaments* 1 (1869): 385–427.

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

DAN D. Y. SHAPIRA

Qudsī, Murād al-(Mourad  
El-Kodsi) see → Karaism

## Quincentennial Foundation, The (Istanbul)

The Quincentennial Foundation was established in 1989 by a group of 113 leading Turkish citizens, Jewish and Muslim alike, to commemorate the five-hundredth anniversary of the → Sephardim in Turkish lands. Over the

next three years the foundation organized a variety of cultural events leading up to the actual anniversary in 1992.

In addition to its cultural activities, the foundation lobbied the → United States and the European Union in favor of Turkey. It also facilitated a decision by the Yad Vashem Museum in Israel to give "righteous among the nations" status to Selahattin → Ülkümen, a Turkish diplomat who saved the Jews of the Greek island of → Rhodes from deportation during the World War II German occupation.

In 2001, the foundation opened the → Quincentennial Foundation Museum of Turkish Jewry (500. Yıl Vakfı Türk Musevileri Müzesi) in the restored Zulfaris Synagogue in Istanbul. The exhibits and programs at the museum, the first of its kind in Turkey, offer a great amount of information to visitors about the customs, traditions, and history of the Jews of Turkey. This is fully in accord with the agenda of the foundation, which has as its chief principle: "to bring the diverse and rich legacy of Turkish Jewry to a greater audience."

### Bibliography

- Musevi Cemaati—Türkiye Hahambaşılığı. "The Quincentennial Foundation—500. Yıl Vakfı," [www.musevicemaati.com/index.php?contentId=10#](http://www.musevicemaati.com/index.php?contentId=10#).
- Türk Musevi Cemaati Bülteni* (Turkish Jewish Community Bulletin) (July 2005).

AKSEL VANSTEN

## Qum(m)

09 Nisan 2017

Qum is a city in central Iran 150 kilometers (242 miles) south of → Tehran. It gradually became an important Shī'i center following the arrival of Shī'i tribes in the early eighth century and by the tenth century was the most significant seat of Shī'i learning. Shī'i *hadiths* praise Qum and endow it with honorific titles like *Dār al-Mu'minīn* (Ar. abode of the believers). A factor contributing to the city's holiness and attracting pilgrims was the tomb of Fāṭima (d. 816/17), the sister of 'Alī ibn Mūsā al-Riḍā (d. 818), the eighth Imām (in later years Jews claimed that the tomb of Moses' wife Zipporah was also situated in Qum). Although eclipsed

13 EYLÜL 2006

143 LIVNE-KAFRI, Ofer. A Muslim apocalyptic tradition attributed to Daniel (in light of a Jewish tradition). *Al-'Usur al-Wusta: the Bulletin of Middle East Medievalists*, 17 (2005) pp.7-9,11. [In context of wars with Byzantium.]

*Brans Danyal*

MADDE YATIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

13 OCAK 1994

"دانيال نبى درشوش دانيال" صبح آزادگان (۲۶ ذر ۱۳۶۲): ص ۱۱  
درباره بقعه دانيال نبى درشوش ۱۸۵۸  
DANYAL

MADDE YATIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

ابراهيم عبد الحميد البحرأوى  
« شعر دانيال - دراسة تاريخية ودينية ولفوية عبرية »  
كلية الآداب جامعة عين شمس ۱۹۶۹ (ماجستير)

Danyal

MADDE YATIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN 24 AĞUSTOS 1996

DANYAL (A.S)

~~دانيال~~

الدسوان

ابو عبید

۲۱۲

۱۵۱

Danyal Hz.

Nebhani, Huccetullah, 153

297.44  
NEB.H

ARA III 3602. ROPS (Daniel) روس (دانيال)

54

ما هو الكتاب المقدس ؟ دانيال روس. تعريب مخايل

المرجسي  
- Beyrouth, Dār al-Makūf, 1959, In-8°, 166 p. couv. ill.

- (Mān huwa al-kitāb al-muqaddas.- Trad. du Français par Miha'il al-Raggi.)

*Danyal*  
*Kitāb al-Muqaddas*

A. 103940.

Evangile, étude.

Religion.

MADDE YATIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

16 OCAK 1995

DANYAL

953. Ali. m

Et. Mufassal- VIII, 325

DANYAL (A.S)

(297.9. Ku. m)

Et. Mufassal- (I. Ku. m) - 49 v.d.

Danyal Hz

Makhsisi, el-Bed 3/114-115

Danyal

ibn Hazm, el-Fasl, C.1, s. 302  
312

2370 DABROWSKI, L. La citerne à eau sous la mosquée de Nébi Daniel. *Bull. Fac. Arts Alexandria* 12 (1958), pp. 40-43

Danyal (Comii)

10 AGUSTOS 1992



K2M

Danyal A-S

Maverdi, Alomun-nubuwwe, S. 95

DIA Ktp 297-43

MAV. A

Danyal (Hz)

Abdullah b. Ahmed,  
es-Sunne, S. 133

Danyal  
دانيال  
ابن

16 / 141

297.47  
KAD.m  
~~679~~

DANYAL (A-S)

297.9  
SAL.K

Arāis - 258 od.

وتشتمل هذه المقالات أيضاً على أسئلة متعلقة بحفظ صحة العين، وضعف البصر، والعمى، والصداع الناجم عن أمراض العين. وعدد الأسئلة في هذه المقالة (١٢٣) سؤالاً. أما أدوية العين المفردة فقد جاءت في نهاية المقالة الثالثة عند دانيال بن شعيا تماماً كما فعل علي بن عيسى، لكن دانيال يؤكد بشكل غير مباشر أن هذه الأدوية لا تستعمل جميعاً مفردة، بل تقع في أدوية العين المركبة، وهذه ملاحظة مهمة أغفلها كثير من المؤلفين. نشات حمارة

مخصصة لأمراض العين (الظاهرة للحس) أي تلك التي تقع تحت بصر الطبيب المعالج، وفي هذه المقالة يعرض الشارح أسباب الأمراض وأعراضها وعلاماتها و(قوانين مداواتها) مرضاً مرضاً، ويبلغ عدد الأسئلة في هذه المقالة (٤٢١) سؤالاً. والمقالة الثالثة هي تلك التي تعرض أمراض العين (الخفية عن الحس) كالحيايات التي يراها المريض، والعمى الليلي (العشاوة) والعمى النهاري (الجهارة)، وأمراض العصب البصري والروح الباصر وغير ذلك.

٦- اسم واضع الكتاب.  
٧- من أي العلوم هو (حقل اختصاص الكتاب).  
٨- نحو التعليم المستعمل (أسلوب الكتاب).  
في المقالة الأولى (١٣٣) مسألة، وتعنى هذه المقالة بتعريف العين عضواً في جسد الإنسان، كما تعنى بعلوم التشريح ووظائف العين (الفيزيولوجية).  
أما المقالة الثانية، ف فيها مقدمة في علم الأمراض (الباثولوجية) وعلم الأدوية (الفارماكولوجية)، وهي

## مراجع للاستزادة:

- بروكلمان، تاريخ الأدب العربي (١٩٣٧م).  
- سامي خلف حمارة، تاريخ الطب والصيدلة عند العرب (القااهرة ١٩٦٧م).  
- J.Hirschberg, Die Arabischen lehrbuecher der augenheil kunde (Berlin 1950).

## ■ دانييل (ملحمة -)

الأرياب. واتجهت إلى الرب إيل كي تنتزع منه موافقته على انتقامها من أقهات، فقابلها بالصمت والتهديئة، فأعدت خطة للثأر وطلبت من المحارب ياتبان Yatpan مساعدتها، كما أمرت النسور بتمزيق الشاب، وما كاد أقهات يستريح لتناول طعامه حتى قتله ياتبان ثم نهشته النسور.

أصاب الجفاف البلاد فانصرف دانييل وابنته بوغات Pughat لأداء صلاة الاستسقاء عندما أبلغه مبعوثان نبأ وفاة وحيدته أقهات، فملاً الحزن قلبه ويكى ومزق ثيابه، وقدم القرابين والعطور إلى الأرياب، وفتح قصره للنادبات والناحيات، وأخذ يبحث عن بقايا ابنه في أحشاء النسور. رقت عنات لحاله وأعربت عن رغبتها في إعادة الحياة إلى أقهات، وزعمت أن ياتبان قد تجاوز تعليماتها، واتجهت بوغات

دانييل ببشارة المولود الذي أسماه أقهات وأقام احتفالاً استمر سبعة أيام وغمر الفرح قلبه فكرّم القابلات الدينيات كوثاروت Kotharot اللواتي ساعدن في عملية الولادة. كبر الولد وصار شاباً، ثم قام الإله الحداد كوثاروت Kotharot بزيارة دانييل زيارة ودية وأهداه قوساً، فقدم دانييل القوس إلى ابنه وزوده ببعض النصائح المفيدة. رأت الربة عنات Anat القوس مع أقهات في أحد الاحتفالات فأرادت الحصول عليه بالذهب والفضة. رفض الشاب طلبها، فأخذت تساومه وتعرض عليه نعمة الخلود ومباهج حياة الآلهة، لكن أقهات رفض طلبها وعدّ إغراءاتها أوهاماً، وكان حديثه مبطناً بالسخرية.

امتعضت عنات لعدم انصياع أقهات لرغبة الآلهة، وانصرفت وهي تردد عبارات التهديد والتحذير من نتائج تجاوز الإنسان حدود اللياقة تجاه

تعد ملحمة دانييل Danel من روائع الأدب الكنعاني القديم. فقد كشفت التنقيبات الأثرية في معبد بعل في تل رأس شمرة / أغاريت [ر] عام ١٩٣١ عن ثلاثة رّم فخارية عليها كتابة مسمارية تعود إلى منتصف الألف الثاني قبل الميلاد تتضمن أسطورة دانييل وابنه أقهات Aqhat، وربما كان كاتبها إيلوميلكو Iloumilkou. ومع عدم توافر النص الكامل لهذه الملحمة إلا أنها تتصف بالجودة والدقة والجمال.

تقول الأسطورة إن دانييل كان ملك هرثم (الهرمل) في شمالي البقاع، وكان يشكو عقمه وشوقه إلى الذرية. أدرك الإله بعل آلام دانييل وشكواه وأوصل معاناته إلى أبيه إيل El، فتجسدت بركة الإله إيل وتمثلت صورة المولود لدانييل وتكررت ثلاث مرات في أحلامه بطقس خاص بالتحريض والإثارة، فتشكل الجنين في رحم زوجته داناتاري. فرح

حمزة بن حسين بن قاسم بن محمد النعيمي، استدراقات على تاريخ التراث العربي،

الجزء الثامن، جدة 1422. ص. 179-177. ISAM 090261

٤٧٦ - (١) - كتاب دانيال عليه السلام في الآثار العلوية \*

لدانيال .

ḌĀNYĀL

منه نسخة في المكتبة الظاهرية بدمشق، ضمن مجموع، رقم (٣٩٥٠) في (٣٦) ورقة من (٦٦ - ٣١) منسوخة سنة ١٠٩٦ هـ، وعلى النسخة مطالعة وقراءة سنة ١٢٧٢ هـ، وعليها تملكات في سنة ١٠٩٧ هـ وسنة ١٣٠٠ هـ (٣).

ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة، ضمن مجموع، رقم (٦٢٧١) في (٥) ورقات (٤).

ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة، رقم (٦٢٦٣) في (٨٠) ورقة (٥).

ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة، ضمن مجموع، رقم (٥٠٣٩) في (٣٤) ورقة (٦).

ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة، رقم (٣٥٨٥) في (٢٩) ورقة (٧).

ومنه نسخة أخرى في المكتبة المذكورة، رقم (٦٨٦٠) في (١٩٦) ورقة (٨).

(1) Catalogue of the Arabic manuscripts in the John Rylands library  
Manchester p : 545 .

(٢) فهرس المخطوطات العربية المصورة في مركز الوثائق والمخطوطات في الجامعة الأردنية ٤٤ : ٢ .

(٣) فهرس مخطوطات دار الكتب الظاهرية ( العلوم والفنون المختلفة عند العرب ) ص ١٣١ .

(٤) فهرس مخطوطات دار الكتب الظاهرية ( علم الهيئة وملحقاته ) ص ٢٦١ .

(٦٠٥) المصدر السابق ص ٢٦٢ .

(٨٠٧) المصدر السابق ص ٢٦٣ .

١٢ NISAN 2007

SONKA BILAL HUSSEIN

ومنها نسخة أخرى في مكتبة يوسف آغا بقونية، ضمن مجموع، رقم (١/٥٠٠٦)

من (١ ب - ٣٢ ب) منسوخة في القرن العاشر الهجري (١).

(١) نوادر المخطوطات العربية في مكتبات تركيا ٨ : ٢ .

## D

16 HAZ 2013

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

## Daniel

**Daniel** (Dāniyāl) is not included among the pre-Islamic patriarchs and prophets that are mentioned or alluded to in the Qur'ān. Later religious, historical, and geographical literature does, however, preserve various confusing reports about at least two characters named Daniel, one resembling the sage mentioned in Ezekiel 14:14, the other living during the captivity of the Israelites. Early reports say that Daniel the Elder (*al-akbar*) lived after Noah and before Abraham and that he could predict events astrologically, for which reason a *Book of divination* (*Kitāb al-jāfi*) was ascribed to him ('Umāra b. Wathīma, 250; al-Mas'ūdī, §§117, 552; Ibn al-Jawzī, 257). Daniel the Younger (*al-aṣghar*) was among the prophets or virtuous men living between the time of Solomon and that of Jesus, in particular, during the reign of Nebuchadnezzar.

There are various collections of *qisas al-anbiyā'* (stories of the prophets), as well as historiographical and geographical works that mainly include stories about Daniel the Elder (al-Tha'labī, trans. 566–72; Grotzfeld, 78; Bobzin, Daniel-

rezeption, 161f.; Bobzin, Bemerkungen). Daniel is described as being carried into captivity in Babylon, along with a group of the sons of prophets. When Nebuchadnezzar reached Babylon again, he had a strange vision, which Daniel offered to interpret for him. Entering the king's presence, Daniel refused to bow down before him, because of his faith in God. Nebuchadnezzar described his vision, and Daniel interpreted it. According to one report, the Magi became envious of him and his companions and denounced them all to Nebuchadnezzar, claiming that they did not worship God. According to other reports, the people of Babylon complained to Nebuchadnezzar that their women were attracted to the Israelite youths and asked him to drive them out or slay them. In another version, Daniel refused to prostrate himself before one of Nebuchadnezzar's idols (Ibn al-Jawzī, 417), for which he and his companions were consigned to the pit.

Nebuchadnezzar had Daniel and his companions cast into a pit, along with a lion that was to devour them. According to some Shi'ī sources, Ezra was also among the captives (al-Majlisī, 14:367–8). Sources

-Danya!

18 MAYIS 1994  
MADDE YAYINLANDIKTAN  
SONRA GULEN DOKÜMAN

forces, like fire, water, and the like. His commentaries on the Bible were directed against rabbinic authorities and designed to promote the cause of Karaism. In his most famous book, *Pitron šeneim-‘āsār*, a commentary on the minor prophets, he strongly criticized the rabbinate for pursuing worldly pleasures, neglecting biblical precepts, and thus causing the degeneration of the Jewish people and the prolongation of the exile. He maintained that after the destruction of the First Temple in 586 B.C.E. the Torah had been handed over to the entire Jewish people, so that each individual might become responsible for his own actions. He also claimed that prayers and worship in synagogues built in foreign lands are heathenism, as they are directed toward timbers and stones that are not sacred. A proclamation that he issued in Jerusalem, calling upon the Jews of the Diaspora (q.v.) to settle there, is extant in the collection from the Geniza in the possession of the Karaite community in Cairo (Mann, 1935).

*Bibliography:* Z. Ankori, *Karaite in Byzantium*, New York, 1959. A. Harkavy, *Zikkaron la-Rišonim* VIII, Vienna, 1903, pp. 187-92. J. Mann, "A Tract by an Early Karaite Settler in Jerusalem," *The Jewish Quarterly Review*, N.S. 12, 1921-22, pp. 273-91. Idem, *Texts and Studies in Jewish History and Literature* II, New York, 1935, pp. 74-81. I. Markon, "Daniel al-Kumisi," *Korrespondenzblatt des Vereins zur Gründung und Erhaltung einer Akademie für die Wissenschaft des Judentums* 8, 1927, pp. 18-30. A. Marmorstein, "Sārīdim mi-pitronei ha-qara'i Daniel al-Qumesi," *ha-Šofeh le-ḥokmat Yisrael* 8, 1924, pp. 44-60, 321-37; 9, 1925, pp. 129-45. Idem, "Derašot Daniel al-Qumesi," *Šion* 3, 1929, pp. 26-42. L. Nemoj, ed., *Karaite Anthology*, New Haven, Conn., 1952, pp. 30-41. S. Pinsker, *Liqqūtei Qadmoniyyot*, Vienna, 1860. Abū Yūsuf Ya'qūb Qerqesānī, *Ketāb al-anwār wa'l-marāqeb*, ed. L. Nemoj, 5 vols., New York, 1939-43. Dānīāl Qūmesī (Daniel Kūmesī), *Pitron šeneim 'āsār*, ed. I. Markon, Jerusalem, 1957.

(AMNON NETZER)

**DĀNĪĀL-E NABĪ**, the Old Testament prophet Daniel, in the Persian tradition.

- i. *In the biblical and popular traditions.*
- ii. *In Sogdian literature.*
- iii. *The tomb of Dānīāl.*
- iv. *Dānīāl-nāma.*

i. IN THE BIBLICAL AND POPULAR TRADITIONS

The twenty-second book of the Hebrew Bible bears the name of the prophet Daniel (DNY'L, lit., "God has judged"). It consists of twelve chapters written partly in Hebrew and partly in Aramaic. Daniel probably prophesied in the decade 545-35 B.C.E., but the final version of the book was revised and edited later (see below). The book may be divided into two parts. The first encompasses chapters 1-6, containing the story of Daniel, his three friends (Hananiah, Mishael, and

Azariah), and their interaction with the Babylonian "kings" Nebuchadnezzar (605-562 B.C.E.) and Belshazzar (d. ca. 539 B.C.E.) and Darius the Mede (q.v.; cf. Tabarī, I, pp. 647, 652-54, 665-68, 717). The historicity of some of the events narrated in this part is questionable. For example, in critical histories of the period "Darius the Mede" is not mentioned; furthermore, Belshazzar the son of Nabonidus was never king of Babylon. This part of the text was probably revised and edited in the years 305-04 B.C.E. The second part consists of chapters 7-12, in which the apocalyptic revelations received by Daniel are described. The final version was apparently revised and edited in 167-64 B.C.E., being completed immediately after the death of the Seleucid Antiochus IV (q.v.) in 164 (for the chronology, see, e.g., Rowley). Scholars have thus claimed more than one author for the book, the only one in the Hebrew Bible in which the idea of the resurrection of the dead is clearly stated (12:2-3). Four additional stories connected with Daniel, included in the Apocrypha, were annexed to the Septuagint: the story of Susanna, the prayers of Daniel's friends, and two stories of Bel. Different versions of both the canonical and apocryphal books of Daniel are known in Armenian, Coptic, Greek, and Slavonic languages.

Dānīāl is not mentioned in the Korān but is venerated as a prophet in Muslim tradition. Eschatological statements and the prophecy recounted in Daniel 12:12 (supposedly concerning the year 1335) have been interpreted by Jews as referring to the coming of the Messiah (Bīrūnī, *Āṭār*, pp. 15-17). According to the *Ardašīr-nāma* (q.v.) by the 14th-century Judeo-Persian poet Šāhīn Šīrāzī, Dānīāl was an important functionary at the court of "Ardashir/Bahman" and, with Esther and Mordecai (q.v.), instrumental in averting catastrophe for the Jews of the Persian empire (Ben Zvi Institute, Jerusalem, ms. no. 980, fols. 39b-42a).

According to Jerahmeel (pp. 74, 223-44), Daniel was born in Shushan (Susa); Josephus connected him with the city of Ecbatana in Media (*Antiquitates* 10.11.7). In the Muslim tradition, which is shared by the Jews of Persia, Dānīāl is said to have been buried between Šūštar and Dezfūl (q.v.; see iii, below), close to the river Šāvūr), an affluent of the Kārūn, the latter supposedly to be identified as the biblical river Ulai (Daniel 8:2). Benjamin of Tudela, who visited the city of Šūš in about 562/1167, gave the following account (pp. 52-53): "In front of one of the synagogues is the sepulchre of Daniel of blessed memory. The river Tigris (Shavur) divides the city, and the bridge connects the two parts. On the one side where the Jews dwell is the sepulchre of Daniel. Here the market-places used to be, containing great stores of merchandise, by which the Jews became enriched. On the other side of the bridge they were poor, because they had no market-places nor merchants there, only gardens and plantations. And they became jealous, and said: 'All this prosperity enjoyed by those on the other side is due to the merits of Daniel the prophet who lies buried there.' Then the poor people asked those who dwelt on

موسوعة العتبات المقدسة، قسم الكاظمين، ۳۷۲/۲ - ۳۹۶: الحوادث الجامعة، ۳۸۰: تاریخ گزیده، ۷۰۵. عبدالحسین شهیدی

**بقعه داعی**، واقع در شهر دزفول. بنای چهار گوش آجری، هر ضلع ۵/۶۰ متر. بنای کنونی در سال ۱۳۱۵ ق بنا شده و از شیوه آجرکاری و نقش اندازی معماری سنتی دزفول در آن بهره جسته شده است. نمای ورودی شامل يك قوس بزرگ تیزه دار در وسط و دو اسپر در دو جانب آن. در ضلع دیگر سه قاب مستطیل ایجاد شده که در پایین يك طاقنمای کوررو در بالا طرح تزئینی آجری اجرا شده است. قرنیز تا حدی شبیه به کارهای آجری رایج دزفول است. گنبد بسیار کوچکی با تزئینات کاشی در وسط بنا ساخته شده است. در داخل بقعه يك قطعه گچبری نقاشی شده و يك کتیبه گچبری قرار دارد که نام بانی تعمیر بقعه «ساعدا السلطنه» حکمران دزفول و نام صاحب بقعه «قطب العارفین السید عبدالله الداعی» در آن نوشته شده است.

منبع: دیار شهریاران، ۴۰۰/۸ - ۴۰۱. پرویز ورجاوند

**بقعه دانیال پیغمبر**، این بقعه که به دانیال پیامبر منسوب است در شهر شوش قرار دارد و از چنان اهمیت و اعتباری برخوردار است که در بیشتر نوشته‌ها نام شهر شوش را همراه با آن و به صورت «شوش دانیال» نوشته‌اند. در مورد محل اصلی قبر برخی برآنند که در رودخانه شاورر بوده یا در زیر پل آن قرار داشته است. در حال حاضر محل اصلی قبر در زیر سرداب بقعه تعیین شده است و بدنه‌های آن با سنگهای زرد رنگ قدیمی ساخته شده است. بنای بقعه که محل ضریح است بر روی زیرزمین ساخته شده و بر فراز آن گنبد رك پله دار سفید رنگ کشیده و خوش تناسبی برپا شده است. این گنبد که دارای ۲۵ پله می‌باشد در سال ۱۲۸۷ ق بعد از آنکه سیل بقعه قدیمی را خراب کرد ساخته شده است. در داخل بقعه زیر سقف را آئینه کاری کرده‌اند. ورودی بقعه و سردر آن هر دو به سوی شرق قرار دارند. درباره این بقعه و دانیال پیغمبر در تذکره شوشتر چنین آمده است: «در بعضی کتب تواریخ از ابو موسی اشعری منقول است که چون عساکر اسلام شوشتر را مفتوح نمودند در آنجا تابوتی از سرب یافتند که میتی در آن بود و کیسه زری با او بود که هر که ضرور داشت به قدر احتیاج از آن زرها به عنوان قرض برمی‌داشت و چون رفع احتیاج شده بود ادا می‌نمود و به جای خود می‌گذاشت و اگر بدون سبب تأخیر نموده بود بیمار می‌شد. این امر غریب را به صحابه که در مدینه بودند عرض نمودند و صحابه در جواب نوشتند که این میت حضرت دانیال است و امر نمودند که او را دفن نمایند و الحال مدفن دانیال در شوش مشهور است و بارگاهی بر آن ساخته‌اند که آب نهر جندی شاپور از زیر آن جاری است و مؤید این شهرت حدیثی است که در بعضی کتب معتبره روایت شده که مردم شوش از کثرت باران به خدمت حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه شکایت نمودند و آن حضرت

بود - و تاریخ فراغت از ساختمان آن مصادف با روز ولادت خواجه نصیرالدین طوسی بود - در جنب قبر مطهر حضرت جوادین علیهما السلام در کاظمین به خاک سپرده شد. در مقابل بقعه وی آیه «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید» ثبت شده است. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (۷۰۵) این رباعی را در تاریخ وفات خواجه ذکر کرده است:

نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چو او مادر زمانه نژاد

به سال ششصد و هفتاد و دو بذی الحججه

بروز هجدهم او در گذشت در بغداد

شاه اسماعیل صفوی با فتح بغداد در ۲۵ جمادی الثانی سال ۹۱۴ ق اهتمام خاصی به آستانه‌های مقدسه در عراق از خود نشان داد، مخصوصاً به آستانه کاظمین. چون این سلسله خود از سادات موسوی بودند، دستور داد تا عمارت آستانه را از بنیاد خراب کردند و جمعی کثیر از مهندسان و معماران را از قزوین و دیگر شهرهای ایران به کاظمین فرا خواند و عمارت عظیم و باشکوه آستانه کاظمین را بنا کرد که تا عصر حاضر باقی است و یکی از مهمترین آثار صفویه در عراق می‌باشد. تا آن هنگام بقعه‌های زیادی از اکابر علمای شیعه و سلاطین امامیه و اعیان در گوشه و کنار آستانه کاظمین پایرجا بود. دکتر مصطفی جواد آنها را از قرن دوم تا قرن هشتم هجری در موسوعة العتبات المقدسة، قسم کاظمین، جزء دوم، نام برده است. شاه اسماعیل صفوی دستور خرابی تمام این بقعه‌ها را صادر نمود به جز دو بقعه که دستور داد در بنای جدید عمارت آستانه موقعیت لایق داشته باشد، یکی بقعه شیخ مفید و دومی بقعه خواجه نصیرالدین طوسی. این بقعه در حال حاضر ایوان خواجه نصیرالدین طوسی نیز خوانده می‌شود. به دستور شاه اسماعیل صفوی ایوان بزرگی بر روی زیرزمین که قبر خواجه نصیرالدین طوسی در آن واقع بود بنا کردند و این ایوان را هنگام بنای آستانه کاظمین در وسط رواق غربی متصل به حرم شریف قرار دادند. ایوان دارای سه ضلع و طاق ضربی هلالی نیم قوس مرتفع و دارای ضریح فولادی‌ای است که ایوان را از رواق جدا می‌کند. کف ایوان که حدود نیم متر بلندتر از سطح رواق است با سنگ مرمر فرش شده است و دیوارهای ایوان تا حدود يك متر از سنگ مرمر می‌باشد. آئینه‌های بزرگ سنگی در قاب چوبی بسیار زیبا که در اطراف آنها نقاشی پشت شیشه با رنگهای متنوع انجام گرفته نصب شده است. کتیبه‌ای از کاشی آبی رنگ در سه طرف ایوان با این عبارات نقش بسته است: «بسم الله الرحمن الرحیم. الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لاهم یحزنون. هذا مرقد سلطان الحکماء المحققین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی. قد عمر فی عهد سلطنة السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطنته بامر حضرت الشاهزاده الامجد الاشرف معتمد الدوله فرهاد میرزا ادام الله شوکه تاریخ فی سنة ۱۳۰۲». تمامی دیوارها و سقف آئینه کاری شده است.

منابع: تاریخ المشهد کاظمین، آل یاسین، ۱۷۱ - ۱۷۲، ۲۶۴ - ۲۶۶؛

uted over several generations to the dissemination of Sunni Islam among the inhabitants of Gobir. As a result, the Gobir royals were superficially won over to Islam. Nonetheless, authority in Gobir still rested on customary norms, not the Islamic *shari'ah*, at the end of the eighteenth century CE. This caused mounting frustration among these Muslim literates and resulted in the emergence of an Islamic reform movement that reached its peak at that time. The Shehu Usman became widely accepted in Gobir and neighboring kingdoms as its leader.

The Shehu Usman spent his early manhood as a teacher and preacher of Islam in Gobir and the nearby kingdoms of Zamfara, Katsina, and Kebbi. He appears to have had no initial intention of pursuing reform by force, but the prolonged resistance of the Gobir chiefs and courtiers to demands for stricter adherence to Islam built up tension. After several violent incidents, organized warfare broke out between the Gobir forces and the Shehu's followers in 1219/1804. For the Muslim reformers this was *jihād*, war against unbelievers.

The campaigns in Gobir ended in 1223/1808, when the Gobir dynasty collapsed and was replaced by a polity organized along Islamic lines that the reformers described as a "caliphate" (Arab., *khalīfah*). The Shehu remained its titular head until his death in 1232/1817, when he was succeeded by his son, Muhammadu Bello. Elsewhere in the Hausa kingdoms and even as far south as Yorubaland and the Nupe kingdom other *jihāds*, led by the Shehu's "flag bearers," or military commanders, continued until brought to a halt by the colonial occupations of the late nineteenth and early twentieth centuries.

The Shehu was not only a war leader but also a scholar and poet in the classical Arabic tradition. Best known among his verse works is his panegyric to the prophet Muḥammad, *Al-dālīyah* (*The Ode Rhyming in Dāl*), that helped to spread the prophet's Sūfī cult and was seminal to a genre of Hausa prophetic panegyric (Hau., *maḍahu*) among the generations that followed him.

His Arabic prose works are numerous (see Last, 1967). Their main thrust is against all manifestations of indigenous, non-Islamic Hausa culture—song, music, ornate dress, architecture, social mores, and so on—and an insistence that these be replaced by Islamic alternatives. His works also influenced his society, and posterity, by disseminating the ideas of the Qādirī order of Sūfīs, to which he was deeply committed, especially as regards the cult of the *awliyā'* (Arab.; sg., *walī*, "one near" to Allāh). Indeed, the Shehu's own charisma stems largely from his reputation as a *walī*.

The immediate political consequences of the *jihād*

were to overthrow the discrete Hausa principalities based on traditional, unwritten customary codes and to substitute the unified Islamic system of the caliphate governed by the revealed and written *shari'ah*. More long-term cultural and religious consequences were to displace, to some extent, indigenous African notions about cosmology and replace them with the Islamic celestial architecture, to challenge African cyclical explanations of life and death with the finality of the Islamic doctrine of divine punishment and reward, and to enhance the status of Arabic literacy in Hausa society.

The Shehu is still a much revered personality among Hausa Muslims, having become something of a symbol of Hausa Muslim nationalism. However, the Sūfī aspects of his teaching are now less emphasized than in the past, perhaps because the Wahhābī doctrine has become more influential in West Africa.

#### BIBLIOGRAPHY

The bibliography on the Fulbe *jihād* is extensive, and the student is advised to consult lists in Murray Last's *The Sokoto Caliphate* (London, 1967). The following will also be found useful in the first instance: my edition and translation of *Tazyīn al-waraqāt* (Ibadan, 1963), an account of the Shehu's life and the *jihād* from the Muslim reformers' own viewpoint; my *The Sword of Truth* (New York, 1973), a study of the life and times of the Shehu based on the Arabic and Hausa sources; my *The Development of Islam in West Africa*, (New York, 1984), which places the Fulbe reform movement in the wider West African context; and *Bayān wujūb al-hijrah 'alā al-'ibād*, edited and translated by F. H. el-Masri (Khartoum and Oxford, 1978), the edited Arabic text and English translation of one of the Shehu's major works with an excellent critical introduction. There are also many articles in learned journals that deal with aspects of the Shehu's life and writings. These are conveniently listed in Hiskett (1973 and 1984) and Last (1967).

MERVYN HISKETT

**DANIEL**, or, in Hebrew, Daniyye'1; hero of the biblical book that bears his name. Daniel is presented as a Jew in the Babylonian exile who achieved notoriety in the royal court for his dream interpretations and cryptography and for his salvation from death in a lion's pit. He also appears in the last chapters of the book as the revealer of divine mysteries and of the timetables of Israel's restoration to national-religious autonomy. As a practitioner of oneiromancy in the court, described in *Daniel* 1–6 (written in the third person), Daniel performs his interpretations alone, while as a visionary-apocalypticist, in *Daniel* 7–12 (written in the first person), he is in need of an angel to help him decode his visions and mysteries of the future. It is likely that the name Daniel is pseudonymous, a deliberate allusion to a wise

*Daniel*

*Encyclopedia of Religion, c. IV; s. 237-238,*

*1987 (New York)*

Katabatun Bahluwah

Salām yus

Dāniyāl

88

354 → IOA / TEO

DIT/KLM

٥٩ - رسالة في النيروز مما فسرہ بطلمیوس الحکیم ووجده عن علم دانیال - الخانجی .  
M2Cest1

59. — *Risāla fī-l nayrūz mim mā fassaraho Baḥlamiyus al-hakīm wa-wajadoho 'an ilm Dāniyāl*, édité par 'Abd al-Salām Hārūn, Collec. nawādir al-makḥṭūṭāt No. 5 (19), Le Caire, 1373 1954, Khānjī, 17 × 24cm., p. 47-48.

Manuscrit rapporté de Murat Mulla 338 (copie à la Ligue arabe 916). Espèce d'horoscope donnant la situation du Nil et de la culture suivant que le nayrūz tombe tel ou tel jour de la semaine. Aucune indication de date ni d'auteur.

MIDEO. c. II, 1955 [KAHIRE]



MCMXLI  
"ARS ISLAMICA". (IX. c), s. 1-53, N. 1: 1968  
(NEW YORK)

DAMASCUS: STUDIES IN ARCHITECTURE—I

BY ERNST HERZFELD

- Sam
- Nureddin Zengi (el-Melikül adil - Nuriddin el-Kelibg)
- (Hasanasi, Turkesi, Medresetün -)
- Zübeyde bint Cafer
- Hasan el-Basri
- Süheverdi, Şihabeddin Amer
- Bağdad
- Zülküfl (kife)
- Danyal (Kusa)

L'archéologie est à la nature sociale ce que l'anatomie comparée est à la nature organisée. Une mosaïque révèle toute une société, comme un squelette d'ichthyosaure sous-entend toute une création. De part et d'autre, tout se déduit, tout s'enchaîne. . . . De là vient le prodigieux intérêt qu'inspire une description architecturale.

—BALZAC, *La Recherche de l'absolu*

THE MATERIALS HERE PRESENTED—MONUMENTS AND INSCRIPTIONS—WERE SURVEYED AND collected between 1908 and 1930 as part of a broader project, sponsored by the Institut de France, that of van Berchem's *Matériaux pour un Corpus Inscriptionum Arabicarum*. The survey of the province of Syria, entrusted to my late friend Moritz Sobernheim and myself, was begun at Aleppo and carried south to Damascus. By the spring of 1914 the work at Aleppo was finished; but the war, the deaths of M. van Berchem and M. Sobernheim, and years of other explorations on my part prevented the completion of the Aleppo volumes, in manuscript form, until 1937. The survey of Damascus—and of Hama, Hims, and a few smaller places—remained on the whole incomplete; it was almost complete for the most interesting period, that of the crusades. Since I saw no way of publishing this material as a separate volume, I am availing myself of the opportunity offered by the Editor of *Ars Islamica* to bring out at least the most important part in this journal.

I have chosen about eighty monuments, adding some from more eastern provinces of the Muhammadan world, all of them entirely unknown or only partly known. In publishing these in a periodical rather than in the *Matériaux pour un Corpus Inscriptionum Arabicarum*, as originally intended, problems in the manner of presentation have arisen. Certain conventions in form and disposition and a method for handling such material has been developed in the *M.C.I.A.* These have had to be modified in order to conform to the style of the journal, and a good deal of epigraphical detail has had to be omitted.

Furthermore, the material which would have been arranged in the *M.C.I.A.* in strictly chronological order, as the monuments of a certain town, is here organized in sections such as "The Muqarnas Dome," "The Syrian Madrasa," "The Turba," and "The Mosque," since the purpose of the present article is to make a contribution to our knowledge of the development of these forms and not to give a description of Damascus between the years 1100 and 1300. At the same time, since the monuments are more or less unknown, it was necessary to give information concerning them, in order that students may use the material as a basis for further research. Thus, descriptive detail beyond the immediate scope of the article had to be included, and this had to be done in the shortest possible form, because it interrupts the sequence of analysis and conclusions. From such considerations a rather complex disposition results.

NOT: Makalenin devamı esamda pagetindedir.

97207

# Prophets in the Quran

An Introduction to the Quran and Muslim Exegesis

Selected and translated by  
**BRANNON M. WHEELER**

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	97207
Tas. No:	209 PRO. Q

**Daniel**

Daniel

*Ibn Abi al-Hudhayl:* Two lions harmed Nebuchadnezzar, so he threw them in a pit. Then he brought Daniel and threw him in on top of them. They did not stir but they stayed put by the will of God. Then Daniel longed for food and drink, but God sent a revelation to Jeremiah who was in Syria: "Prepare food and drink for Daniel!" Jeremiah said: "Lord, I am in the land of Jerusalem and Daniel is in the land of Babylon, in Iraq." So God revealed to him again: "Provide what I ordered you. We will send something to carry you and what you are to provide." He did this and sent to him someone to transport him and what he was ordered to bring, until they stopped at the top of the pit. Daniel said: "Who is that?" Jeremiah said: "I am Jeremiah." Daniel said: "What do you bring with you?" Jeremiah said: "Your Lord sent me to you." Daniel said: "My Lord remembered me?" Jeremiah said: "Yes." Daniel said: "Praise God who does not forget those who remember him, praise God who satisfies those who desire him, praise God who protects those who trust in him, praise God who repays goodness with goodness, praise God who repays patience with salvation."

*Ibn Masud and other Companions of the Prophet Muhammad:* When Nebuchadnezzar destroyed Jerusalem he carried off with him the notables and leaders of the Israelites. He carried off Daniel, Eli, Azariah, and Mishael, all of them children of the prophets. He carried off the Exilarch with him. When he arrived in Babylon, Nebuchadnezzar found that Sayha'in had died. He became king in his place. He honored Daniel and his companions, but the Magians were envious of them, so they denounced them: "Daniel and his companions do not worship your God, and they do not eat of your sacrifices." Nebuchadnezzar summoned them and asked them, and they said: "Yes, we have a Lord we worship, and we do not eat of your sacrifices." Nebuchadnezzar ordered the digging of a trench, and six of them were thrown into it. A ferocious lion was thrown in with them to eat them. The people who

284-289

pavement graffiti of Assur are 511 and 539, which means that their date is 199/200–227/8 C.E.<sup>39</sup>

According to these dates most of the inscriptions belong to the last hundred years of the Parthian empire, cities of which were destroyed in the mid-third century C.E. These dates fit in better with our knowledge of the history of Hatra and other Parthian towns. As in general most of the finds of an ancient site belong to a date close to its destruction, the suggested dates are more suitable also from the archaeological point of view. As regards palaeography, the earliest inscriptions in the above list i.e. Hatra No. 214 dated in 97/8 C.E. reveals some undeveloped forms mainly in the *bet*, *gimel*, *kaf* and *'ayin* which do not occur later (Fig. 7).

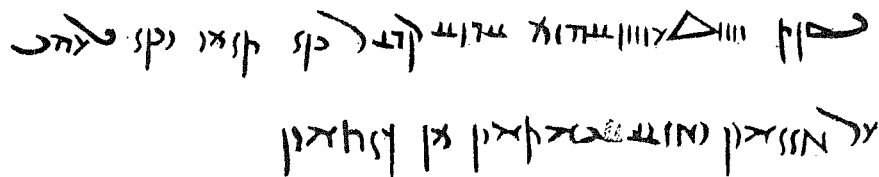


FIG. 7. Hatra, No. 214 (drawing of Fuad Safar).

While comparing the North Mesopotamian script-type with the other eastern branches, it seems quite obvious that the South Mesopotamian is typologically the nearest to it. Apparently both scripts developed from a formal prototype which did not distinguish between medial and final letter-forms. This assumption may be proved or disproved when the Mesopotamian soil will provide us with first century B.C.E. Aramaic inscriptions. Such epigraphic material will perhaps also point out where the North-Mesopotamian script-type crystallized. For the time being Hatra should be taken into consideration as a cultural centre which played an important role in the development of this branch.<sup>40</sup>

<sup>39</sup> Jensen, *MDOG* LX (1920), pp. 22–23. Euting in *MDOG* XXII (1904), p. 51, note, reads in stele No. 1072 the year number 224, i.e. 89/88 B.C.E., but both Jensen and Andrae (*Die Partherstadt Assur*, p. 106) believe that the date is later by one or two hundred years. Unfortunately the photograph reproduced in Pl. 59a, d of Andrae's book does not allow a reading of this inscription.

<sup>40</sup> My thanks are due to my friend Dr. Shaul Shaked for the helpful discussions about the problems dealt with in this paper.

## Dāniyāl-nāma and its linguistic features\*

AMNON NETZER

### 1. The Manuscript

The British Museum manuscript Or. 4743<sup>1</sup> contains a text of sixty-five octave folios in the Persian language in Hebrew characters. The text is complete and all catchwords correspond to the first word of the next folio. The author calls his work by the Hebrew name שיר חדש a 'new song',<sup>2</sup> probably taken from the passage שירו לאדוני שיר חדש 'sing unto the Lord a new song'.<sup>3</sup> Folio 2b bears the title *Dāniyāl-nāma* 'the book of Daniel' according to which the text is known.<sup>4</sup>

Basically, the main part of this MS is a versification of the Book of Daniel developed, paraphrased and expanded by the author.<sup>5</sup> The MS contains 2175 distichs in the form of *maṭnawī*, divided into eighty-eight chapters of various lengths. The meter is *hazaj-i musaddas-i mahdūf*: (from right to left: — — / — — — — / — — — —), a relatively convenient meter for composing long poems.

From the first folio to the last, the text has suffered at the hands of copyists and redactors. Frequent corruptions and errors in words, meter and rhyme are found throughout the work. Some of these corruptions, together with effaced words, make the reading of the MS difficult and sometimes impossible.

\* On the literary aspect of *Dāniyāl-nāma* see A. Netzer, "Dāniyāl-nāma: An Exposition of Judeo-Persian" in *Islam and Its Cultural Divergence*, ed. G. L. Tikku (University of Illinois Press, 1970), pp. 145–164.

<sup>1</sup> G. Margoliouth, *Catalogue of the Hebrew and Samaritan Manuscripts in the British Museum* (London, 1909), p. 269.

<sup>2</sup> MS f. 65 b.

<sup>3</sup> See Is. xlii 10; also see Ps. xxxiii 3.

<sup>4</sup> See MS f. 2b, see also the colophon on f. 1b: the owner of the MS calls it *fārsī-yi Dāniyāl* 'Daniel in Persian'. This work, *Dāniyāl-nāma*, should not be confused with the prose work in Judeo-Persian called *Qissa-yi Dāniyāl*, described by Zotenberg in his article "Geschichte Daniels" in *Archiv für die wissenschaftliche Erforschung des Alten Testaments*, III (1869), pp. 385–427. Cf. Darmesteter, "L'Apocalypse persane de Daniel", in *Bibliothèque de L'École des Hautes Etudes*, LXXIII (Paris, 1887), pp. 405–420. The *Qissa-yi Dāniyāl* is also mentioned by Bacher, *Jewish Encyclopaedia*, VII (New York, 1901), p. 318; and by Lazard, *La langue des plus anciens monuments de la prose persane* (Paris, 1963), p. 129. Browne emphasizes the importance of this work in his *Literary History of Persia* (1928), Vol. I, p. 479.

<sup>5</sup> A. Netzer, "A Study of Kh(w)āje Bokhārāi's *Dāniyāl-nāma*", an unpublished doctoral dissertation, Columbia University, 1969, pp. 26–40.

that this vision concerns 'the whole house of Israel' (v: 11). The resurrection of the dead in verse 12 is a statement to that effect (like Isa. 26: 19), and the last words of the passage identify that 'resurrection' with return to the promised land (v. 14; cf. 11: 17; 36: 28).



JOHN F. A. SAWYER

Prophecy and the Biblical Prophets

New York - 1993, s. 113 - 138.

DN: 38675

07 MART 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Daniel

6

## *The Prophets (III): Daniel to Malachi*

### Daniel

IN the Christian canon, Daniel is promoted from the Writings to a place among the Major Prophets, alongside Isaiah, Jeremiah, and Ezekiel. He is not actually called a prophet in the book and, although his visions, his trances, his ability to predict, his intercession for his people (9), and his challenging of royal authorities roughly fit the conventional prophetic role, the language, style, imagery and content of the book are in most respects very different from any other prophet. In fact Daniel (alongside Noah and Job) is remembered as one of three men who 'delivered their own lives by their righteousness' (Ezek. 14: 14), and this is actually how he is represented in the book that bears his name.

He is introduced in chapter 1 as one of a number of 'youths without blemish, handsome and skilful in all wisdom, endowed with knowledge, understanding and learning...' (1: 4) at the court of the king of Babylon. He and his three friends stand firm against all kinds of threat: risking their lives to observe the food laws, for example (1: 8-16), choosing death in the 'burning fiery furnace' rather than idolatry (chap. 3), or facing the lions' den rather than renounce their faith (chap. 6).

Much of the book is taken up with visions and their interpretations, but the conclusion returns once more to the theme of righteousness: 'And those who are wise shall shine like the brightness of the firmament; and those who turn many to righteousness, like the stars for ever and ever' (12: 3).

Of the various apocryphal additions to Daniel (written in Greek probably in the second or first century BC, and therefore not included in the Hebrew Bible), three continue the tale of Daniel's

114 MART 1991

**Daniel**, book of the Old Testament (qv), written 166/164 BC, during the Maccabaeen Wars. The first part, mostly in Aramaic and based on older traditions, tells of a young Jew whose piety won him the favour of the Babylonian and Persian kings. The second part, mostly in Hebrew, consists of apocalyptic prophecies. The example of faithfulness set by Daniel, and his prophecies encouraging the oppressed, helped to make this book popular in times of trouble (persecution of the Christians, the Hussite Wars, etc). In the Greek translation the apocryphal stories of Susanna and of Bel and the Dragon have been added. See also Bible.

N. Porteous, *Daniel* (London-Philadelphia 1965).  
SZS

DICTIONARY OF ORIENTAL LITERATURES, ed. JIRI BECKA  
c. III, ( ) LONDON. s. 42

Stanislav Segert

Danyal 040032

# Christian-Muslim Relations A Bibliographical History

Volume 3 (1050-1200)

Edited by  
David Thomas and Alex Mallett  
with Juan Pedro Monferrer Sala,  
Johannes Pahlitzsch, Mark Swanson,  
Herman Teule, John Tolan

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	208569
Tna. No:	016.291 CHR-M



BRILL

LEIDEN • BOSTON  
2011

## The prophecy of Daniel to Athanasius

Unknown author

DATE OF BIRTH Unknown; probably mid-11th century  
PLACE OF BIRTH Unknown; presumably Egypt  
DATE OF DEATH Unknown; late 11th to early 12th century  
PLACE OF DEATH Unknown; presumably Egypt

by: Jos van Lent

### BIOGRAPHY

Nothing is known of the author of this pseudonymous apocalyptic text beyond what can be gathered from the text itself: that the author was a Christian, probably a monk, active in the late 11<sup>th</sup> and early 12<sup>th</sup> centuries, perhaps in the area called 'the island of Niqiyūs' (*jazīra Banī Naṣr*), in the western Nile Delta.

### MAIN SOURCES OF INFORMATION

Primary —

Secondary —

### WORKS ON CHRISTIAN-MUSLIM RELATIONS

*Khabar Dāniyāl al-nabī, lammā aẓharahū li-abīnā Athanāsiyūs baṭriyark al-Iskandariyya*, 'The message of Daniel the prophet, when he revealed it to our father Athanasius, patriarch of Alexandria' (in MS Sinai, Monastery of St Catherine – Ar. 495); *Maymar li-l-qiddīs Athanāsiūs al-baṭriyark, wa-mimmā a'lamahū bihi Dāniyāl al-nabī fī l-manām*, 'The homily of St Athanasius the patriarch and what the prophet Daniel let him know in a dream' (in MS Paris, BNF – Ar. 153); 'The prophecy of Daniel to Athanasius', 'The second (Arabic) apocalypse of Athanasius', 'PA ar. II', 'ApocAth II' 230-236

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

25 Ocak 2014

# Christian-Muslim Relations A Bibliographical History

Volume 1 (600-900)

Edited by  
David Thomas and Barbara Roggema

with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch  
Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	208567
Tns. No:	016.291 CHR-M



BRILL

LEIDEN • BOSTON  
2009

## The Greek Apocalypse of Daniel

Unknown author

DATE OF BIRTH Unknown  
PLACE OF BIRTH Unknown  
DATE OF DEATH Unknown  
PLACE OF DEATH Unknown

BIOGRAPHY —

MAIN SOURCES OF INFORMATION

Primary —

Secondary —

WORKS ON CHRISTIAN-MUSLIM RELATIONS

*Diēgesis peri tōn hēmerōn tou Antichristou to pōs mellei genesthai kai peri tēs synteleias tou aiōnos*, 'The Account of the days of the Antichrist and how it will be and of the completion of time', *Tou en hagiois patros hēmon Methodiou episkopou logos peri tōn eschatou hēmerōn kai peri tou Antichristou*, 'The Sermon of our father Bishop Methodius who is among the saints, about the last of the days and the Antichrist'. Modern titles: 'The Narration of Daniel about the days of the Antichrist and the end of times', 'The Greek Apocalypse of Daniel', 'Diegesis Danielis'

DATE Early 9<sup>th</sup> c.

ORIGINAL LANGUAGE Greek

414-418

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

25 Ocak 2014

Dergi  
040002

by Pablo Ubiera, 2007

# Christian-Muslim Relations A Bibliographical History

Volume 1 (600-900)

Edited by  
David Thomas and Barbara Roggema

with Juan Pedro Monferrer Sala, Johannes Pahlitzsch  
Mark Swanson, Herman Teule, John Tolan

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	208567
Tns. No:	016.291 CHR.M



BRILL

LEIDEN • BOSTON  
2009

## *The Proto-fourteenth vision of Daniel*

Unknown author

DATE OF BIRTH 8<sup>th</sup> c.  
PLACE OF BIRTH Unknown, presumably Egypt  
DATE OF DEATH 760s or later  
PLACE OF DEATH Unknown, presumably Egypt

### BIOGRAPHY

Nothing is known of the author of this pseudonymous apocalyptic text beyond what can be gathered from the (reconstructed) text itself.

### MAIN SOURCES OF INFORMATION

Primary —

Secondary —

### WORKS ON CHRISTIAN-MUSLIM RELATIONS

Title unknown. Modern title: 'The proto-fourteenth vision of Daniel', 'Proto-14Dan'

DATE After 750, perhaps in the 760s  
ORIGINAL LANGUAGE Coptic or Greek

### DESCRIPTION

The *Proto-fourteenth vision of Daniel* is not extant, but evidence for it is provided by two apocalyptic writings that are probably both recensions of this work. The best-known one is the *Fourteenth vision of Daniel*, a historical apocalypse added to the biblical Book of Daniel in several bilingual Copto-Arabic manuscripts, and in its extant form probably dating from the late 12<sup>th</sup> or early 13<sup>th</sup> century. The other recension is partly preserved in an unedited 14<sup>th</sup>-century apocalyptic sermon in Arabic attributed to the Coptic saint Shenute. Referred to in the present volume as the *Prophecy of the nineteen Muslim kings* (q.v.), it may date back to as early as the reign of the 'Abbasid Caliph al-Amīn (809-13).

Daniel  
040092

by Jos van Lent - 2008 -

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKUMAN

25 Ocak 2014

309 - 313



MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

- 182 KHĀN, Nasrullāh, KHĀN, Jānas, AZHARI, Ziaullāh al- & REĤMĀN, Āta ur. Some mauḏū (fabricated) narrations in Tafsīr al-ḏur al-manth'ur (Sūrā'h A'al-e-Imrān of the Holy Qura'n). *Al-Idāh Biannual Research Journal*, 26 (2013) pp.50-60. Suyuti did not comment on the status of Hadith in his commentary.

ed. Öziçelik  
040692  
Abi İmran  
011279